بخش دوّم
ادبیات معاصر تاجیکستان

اساس ادبیات بدبیعی سویتی پیش از همه جریان نو سوسیالیستی می‌باشد.

ادبیات دوران سویتی برای آن ادبیات بلندترین، پیش قدمترین و انقلاب‌برنگی در جهان بشمار می‌رود که آن ساخت جمعیتی و دولتی با اعمال تریم‌های دیدگاه قهرمانان محنیت سوسیالیستی و کوششهای خلق سویتی را در این راه اساس تصویر خود می‌داند.

نویسندگان سویتی با پیشقدم ترین آیدیولوژی انسانیت-نظریه مارکسیسم-لئینین از مسلم اند که آن چون ستاره‌های راهنمای و روش عملیات آنها را در افراد انحراف‌های تازه به تازه رایلیستی روش می‌سازد. مناسب‌ترهای نو سوسیالیستی در جمعیت سویتی ادبیات نو آور تاجیک را از جهت موضوع و غايه، کییریکتر (Character)، مضمون و شکل به زینه های بلند برداشتند.

ادبیات سویتی ادبیات دوره نشو و نمای مدنیت نو بوده در محیط سوسیالیسم غلبه پیشروی آن امکان پذیر گردیده است. ضیافتی، که در زمان گذشته بین ایپیدیل و حیات واقعی وجود داشت، اکنون در شرایط ساخت نو جمعیت تاجیک برفی خورده. ادبیات آزاد سویتی حیات را مواقف آرزویی آمال خلق در تمثال ایدیه‌های بردآوری و بردآوری در اثرهای بدبیعی مجسمه نمایید.

ادبیات سویتی تپ‌نور، نویسنده‌ها را به میدان آورد.

نویسنده‌وسيئی کامل‌ال به خلق محنتی تکیه داشته، با حیات مملکت خود مشترک پیوسته است.

در زمان های پیش صنف های حاکم با پاه راه کوشش می کردند، که خلق به
مدلیت نزدیک نباید. آنها ادبیات کلاسیکی پیرو پیامران تاجیک را از خلق دور می‌داشتند و سوی مانع های زیادی می‌گذاشتند که خلق با نویسندان‌گان علاقه‌بی و از سطح نداشتند باشند.

در سال ۱۹۰۵ در عین جوش و خروش ریپولوژیا، در گزیده آشکار (Legally) بلشویکی "تناویه زندگی" اثر کلاسیکی لینن "تشکیلات پرتره دو و ادبیات پرتره و" گردید. در آن روزهای زد و خورده باشند که نمایندگان صنف های حکمران به مقابل خلق نه تنها تیر و تفنگ و نیزه و سنان، این چنین تمام نخیره‌ای اسلحة ایدیه "ایران را نیز پیش کشیده بودند، مبارزه، ابتکار، سلاحه صنعت و ادبیات را نیز فراگرفته بود.

ادبیات سوئیتی تاجیک یک عضو جدا نشونده ادبیات عمومی می‌باشد. یک‌گانگی موضوع و ایده‌های پیامدر، هم در حال حیات سوسیالیستی همه ادبیات سرملیت مارا به هم نزدیک و مشترکاً علاقه می‌نمایندند. ادبیات سوئیتی تاجیک نیز مثل دیگر ادبیات های ملّی مملکت تاجیک از حیات پرچرخ و خروش و ممکن بنیاد کار اینه خود از کارنامه‌های بی نظر آدامان سوئیتی میتریل (Material) بیاید که خود اینه حادثه‌های زندگی با اسلوب خاص ملّی صنعت کار تاجیک، با هم‌فکر داشتن رسم و آینه‌های خلق خود، با مددگاردی واسطه‌های تصویر ملّی تاجیک صورت می‌گیرد. مضمون سوسیالیستی در عین زمان با اشکال ملّی افادة می‌گردد.

تاجیکستان که بین سالهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۹ ایالت تحت تأثیر اتحاد شوروی، بعنوان دولتی نو بنیادکه عمداً از خلق تاجیک تشکیل شده رو به جهان نمود در این سرزمین، یک ادبیات ملّی بزبان تاجیک، رونق یافت که در برابر
ادبیات سننی تاجیک که قبل از ریولوسیون‌های اکثربانکی در سراسر قلمرو امیر سالاری بخارا جریان داشت فرق‌های زیادی از لحاظ شکل و مضمون خود کرد. زبان و ادبیات جدید تاجیکی در مقایسه با فارسی نوین، چنین خاصیت دارد: فرق بسیار در تلفظ، تفاوت‌های در دستور زبان، و جوی شمار زبان از کلماهای سریک، و نیز اصطلاحات جهانی که بتوسط زبان عربی پایه اند. از طرف دیگر، زبان فارسی هم برای پدیده‌ها و معنا نوین و از دیگر زبان‌ها گرفته‌ها، خصوصاً از زبان‌های اروپایی (انگلیسی) که همچنان سر چشمه ای برای تطبیق جهانی است. گذشته از این زبان تاجیک چه حدودی و هم از زبان ازبکی تأثیرگذار گرفته است.

پس از ریولوسیون‌های ۱۹۱۷ روسیه، یک دور نو در سراسر آسیای میانه پدید آمد که با آغاز این ترقیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تا حدی ادبی خلق‌هایی این سرزمین که بعنوان دو قوم یک سر رشت یعنی ایرانی و تاجیک بودند، به گونه‌ای چیزی و بینیادی دگرگونی یافته. نظام امپراتوری سالار بخارا از میان رفت و نفوذ گروه‌های روحانیون در میدان سیاسی و اقتصاد به تدریج کاسته گردید.

ادبیات معاصر تاجیک پس از انقلاب اکثر تحت تأثیر سوسیالیستی آمد. ادبیات روس پیشتر از انقلاب از راه ترجمه‌های آذربایجانی، از بکی، تاتاری و جنگین ترجمه تاجیکی از آثار پشکن، تولستوی، گوگول و دیگر نویسندگان روس به آسیای مرکزی راه یافت. بود و نیز تا حدودی از طریق ترجمه‌های از دیگر ادبیات اروپایی، سپس گورکی تأثیری زیادی در این ادبیات بجا می‌گذاشت. هم بتوسط آثار و هم بتوسط ملاقات‌های شخصی، مجله‌ها و سخنرانی‌های فکری به گونه‌ای در اندیشه‌ای ادب شناسان تاجیک نفوذ می‌کند. مثلان بینیانگذار ادبیات
معاصر تاجیک، صدر الدين عیینی، بیشتر خود را پیر و سالمندی می‌گفت. ج. اکرامی
و نیز چندین نویسنده و شاعر دیگر در ابتدا با ترجمه آثار کلاسیک روسی به
میزان ادبیات قدم نهادند. این‌ها از آغاز زیر نفوذ سنست ادبی روس بودند. از آن
جلقه شاعر مروف پیر و سلیمانی اولین کسی بود که شکل اشعار مباکوسکی را
سرمشق خویش قرار داده بود و بعد ادب پوران تاجیک دیگر در نقل او در سال‌ها
بعد موفق شدند که آفریدگی ادبی خود را سر مشق ادبی خویش قرار دهند. در
این زمان تاثیر ادبیات روس افزون شده است. تا سال ۱۹۲۸ ادبیات روس عملای
ترجمه ای بر دانستن تاجیک در دسترس نبود مثلاً صدر الدين عیینی در آن زمان تنها
شخصی بود که از زبان روسی آگاهی داشت. با وجود این، این اثر اصل در سال
۱۹۴۱ در نامه ای به خاطر به رحمت زاده اینطور نوشته: „حیف که من زبان
روسی را نمی‌دانم...“ ولی با این همه، تا سال ۱۹۲۸ به قلم او چندین اثر
منتشر، از آن جمله انجام‌های د رخونده نوشته شد. بود. روشن است که اثر منثور
او همچنان تحت تندق "بنازیر الوقائع" ویسی "بنازیر الوقائع" داشت، ادبیات
ستاتی هندستان و افغانستان چه آن‌ها قرار گرفته بودند. البته هر بسیار گمان می
روکد که در ابتدا پیوستگی فرهنگی و جغرافیایی ایران هم تا حدودی در ادبیات
تاجیک تاثیر نمود و در آن انعکاس کرده است. در باره ارتباط بین ادبیات از بک
و تاجیک باید گفت که ادبیات ازبک، به خصوص در هنر نمایشی نقش مهمی را در
ابیات تاجیک به عهده داشته، ادبیات ازبک نیز از ادبیات معروف تاجیک بهره
گرفته است. مثلتاً صدر الدين عیینی نیز معاصر از بک را بعنوان نهاده است.
باوجود فرآیندی چنینی در این مورد، نسبت به وضع پیشین وجود دارد. اگرچه تا
سال ۱۹۵۸ در آسیای میانه هیچ نویسنده و یا شاعری تاجیک معروف نبوده که
واقعتاً زبان ازبکی را نشناسند و ادبیات ازبکی را راز چنین اصول آن نخوانده باند، مثلًا واقعی نیازی در ابتدا به زبان ازبک شعر می‌گفت و لی بعدها به‌بان تاجیک‌آمریکا نشتر می‌آفریند، اگرچه آشوریات نظر آفر در تاجیکستان می‌زیست اما فقط اشعار ازبکی را می‌سرود.

در زمان ۱۹۲۹ ادبیات جدید و ریلیستی تاجیک در آسیای مرکزی رسمیت پیدا کرد و فقط دو ادبی معروف، یعنی عیینی و لاوهتی که راجع به دوره پیشین بودند، اثر عمیقی را آنجا گذاشتند. با این همه، نهایتاً به‌آلی وقت بود که آنان موفق شدند استعداد خود را گستردند. رویدادهای پرده‌ور در آن سال ماه‌ها می‌گسته که شعر بیشتر از نثر مورد توجه قرار گرفد (اشعار کوتاه و پیروزی به‌تغییری) که این مورد برای تمام ادبیات ملّی شوروی نمونه‌ای بر جسته بود. بر جسته شعران این دوره، عبارت بودند از عیینی، حمیدی، لاوهتی، منصور و همینطور پس از این دوره، پیرو رحیمی، لطفی، امین زاده و سهیلی جوهر زاده و غیره. محصولات ادبی از این دوره که در مجلّات و جرالدیون گسترش‌می‌دهند، مخصوصاً در نخستین مجلّه تاجیک سلیمانی ۱۹۲۱ در سمرقند انتشار یافت و در مجلّه آوای تاجیک ۱۹۲۴ در سمرقند و دیگر آنها همچنین در کتاب‌های درسی ص. عیینی به سال ۱۹۲۴ نخستین انگاره کوتاه خویش را به نام "آدینه" که در ادبیات تاجیک اهمیت فراوانی دارد، چاپ گردید.

در سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۱ ادبیات ملّی سایر از اتحاد شوروی، ادبیات تاجیک در دهه ۱۹۴۰ پیشرفته‌تر بی سابقه از کرد. نمونه آن‌ها منتشر شده و نیم انواع ادبی افزایش یافت. در این زمان نفر با برترین گونه‌های خود یعنی (انگاره)
بعنوان مهمترین فعالیت ادبی تلقی می‌گشت: تعداد داستان‌ها دریب‌هنا شعر افزایش یافت و دوگونه ادبی نوین (نمايشنامه به خصوص الگ زاده، و ادبیات کودکان میر شکر و دیگران) معمولی گشت. این پیشرفت ادبی به موازات استحکام مبنی بر اقتصادی و سیاسی در کشور جریان می‌یافت.

درنماهی آثار ادبی، به بیشتر از رویدادهای انقلابی و مبارزه علیه با صمیم‌چیز، گرایش به زندگی جمعی و آزادی زنان برگرفته می‌شود: کار و نیز تعصب از وطن شوروی مورد ستایش قرار گرفت و نقطه ضعف و بدردای دینی گذشته (نظام فشودا لیسم) مانند دیگر ادیب‌های ملی در اتحاد شوروی، مخصوصاً ادیب‌های روسی که آثار آن بزبان تاجیک ترجمه گشته بود، از میان رفت و ازبن رو الگوی نویسندگان تاجیک قرار گرفت. مجموعه داستان کوتاه بوسیله "حکیم کریم" و رحمه چیقیل نشر می‌یافت.

سالهای ۱۹۴۱-۱۹۴۵ را برای ادبیات تاجیک دوره‌ای شورش و جنگ قرار داده است. و این زمان ادبیات در شکل داستان کوتاه، گزارش‌ها باز گردید.

در مدت جنگ جهانی دوم، ادبیات تاجیک دو روند را در آثار خویش به کار گرفت. اوّلین اینکه با استفاده از سمبل (Symbol) و تمثیل، تصاویری و سعی و گسترده آفریدند و به داستان‌های باستانی از آن جمله "رستم" مظهر می‌شن یپرستی و لاروری ویا ضحاک "نماد دشمن باز گرددند. این شیوه، نمونه‌ای آثار لاهوتی بود.